قطعنامه پایان بخش جنگ چگونه شکل گرفت

کربلای ۵ عملیات پیروز پایان دهنده جنگ

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

روزشمارهای جنگ ایران و عراق مجموعه‌ای منحصر به فرد و مستند از حوادث روزهای جنگ است که به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس وابسته به سپاه پاسداران منتشرمی شود وتا کنون بیش از نیمی از این مجموعه ۵۷ جلدی انتشار یافته و در دسترس عموم قرار دارد. هر جلد این مجموعه که بتدریج آماده‌سازی شده و در وضعیتی مناسب روانه بازارکتاب می‌شود به دوره‌ای خاص از تاریخ جنگ اختصاص دارد و به منزله فصلی از تاریخ جنگ شامل گزارش‌های خبری به همراه تفسیرهای کارشناسی انجام گرفته درهمان روزها است. منابع این مجموعه نفیس، گزارش‌های رسمی راویان یا یگان‌های رزمی حاضر در میدان، از وقایع روز، اخبار و گزارش‌های نشریات داخلی و خارجی، که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی با جنگ مرتبط هستند و بولتن‌های خبری مراکز رسانه‌ای مهم همچون خبرگزاری ایرنا واحد مرکزی خبر وابسته به صدا و سیما است.

***

■ شکل گیری قطعنامه ۵۹۸ در آینه اسناد

چهل ونهمین جلد از این مجموعه ارزشمند و مستند به تصویب قطعنامه۵۹۸ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۹ تیر ۱۳۶۶اختصاص دارد و حاوی وقایع ۴۹ روز از جنگ در فاصله ۱۲ خرداد تا ۲۹ تیرماه سال ۱۳۶۶ است. این جلد که باعنوان «تصویب قطعنامه، زمینه‌های سیاسی و نظامی» انتشار یافته به کوشش علیرضا لطف‌الله زادگان از راویان تاریخ جنگ در دوران دفاع مقدس فراهم آمده است. در این کتاب علاوه بر گزارش روزانه وقایع با ذکر منابع، چکیده‌هایی از مطالب و گزارش‌های آرشیوی راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به همراه نقشه‌هایی از مناطق جنگی و تصاویری بدیع و کمتر انتشار یافته از آن وقایع آمده که زینت بخش کتاب است.

کتاب «تصویب قطعنامه۵۹۸، زمینه‌های سیاسی ونظامی» به حوادث ووقایع مقطعی ۲۹ روزه از دوران جنگ ایران و عراق اشاره دارد که حول محور تصویب قطعنامه از جنبه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به نحوی کاملاً مستند گرد آمده و انعکاس بازتاب‌های آنها در زمان وقوع به گونه‌ای منسجم و روشمند بوده و در نهایت تحلیلی از آنها با تکیه بر نظرات کارشناسی ارائه شده است.

در نتیجه، مخاطب ضمن در دسترس داشتن مجموعه‌ای از اسناد موثق، از تحلیلی کارشناسانه معطوف به همان اسناد نیز برخوردار شده تا بتواند مهم‌ترین حوادث و مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی مرتبط با جنگ را مورد مطالعه، بررسی واستفاده قرار دهد.مهم‌ترین موضوع مطرح در این دوره توافق اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است، البته بدون توجه به حقوق، نظرها و مطالبات ایران. در واقع این کتاب بیان وقایع مقطعی از دوران جنگ است که امریکا و شوروی درباره چگونگی خاتمه جنگ به جمع‌بندی و توافق رسیده و برای اجرای آن دست به کار شدند و سرانجام با تصویب قطعنامه۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل در روز ۲۹/ ۴ /۱۳۶۶، تلاش‌های خود را به نتیجه رساندند.

■ تصویب قطعنامه در شرایط اقتدار ایران

هماهنگی دو ابرقدرت ناشی از حوادثی بود که در اواخر سال ۱۳۶۵ و اوایل سال ۱۳۶۶ رخ داد. از جمله عملیات کربلای ۵ و افشای ماجرای مک فارلین که در تنظیم و تصویب قطعنامه ۵۹۸ بی‌تأثیر نبودند.

پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و توانایی تثبیت مناطق تصرف شده در این عملیات در شرق بصره و همچنین تثبیت تصرفات عملیات‌های قبلی از جمله عملیات والفجر۸ (تصرف فاو)، قدرت نظامی ایران و روند رو به رشد آن، از جمله عوامل مهم و مؤثر در ارزیابی آسیب‌پذیری ماشین جنگی عراق بود که در آن مقطع مورد توجه ناظران و کارشناسان نظامی قرار گرفت.

عملیات کربلای ۵ که در سخت‌ترین شرایط نظامی صورت گرفت و نزدیک شدن قوای ایران به بصره را در پی داشت، بر تمامی تردیدها در مورد توان نظامی ایران پایان داد و قدرت برتر ایران را در عملیات‌های زمینی نشان داد. پیروزی در این عملیات این باور را پدید آورد که ایران با اتکا بر توانایی‌هایش قادر است حقوق حقه خود را از موضع برتر پیگیری و برای تأمین آن پافشاری کند. برخی از کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در ارزیابی‌های خود به همین نتیجه اذعان کردند. شهرام چوبین (عضو مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن) همان ایام در این باره گفت:«من فکر می کنم که ایرانی‌ها در مرحله جدیدی از جنگ قرار گرفته و به خود اعتماد پیدا کرده‌اند و این امر در سال ۱۹۸۵ و احتمالاً سال ۱۹۸۴ در حملات مجنون و هویزه به چشم نمی‌خورد. آنها دلیلی نداشتند که فکر کنند یک روزی قادر باشند بتوانند چنین عملیات‌هایی را با پیروزی انجام دهند. عملیات‌های «فاو»، «مهران» و «کربلای۵» به آنها نشان داد که به این امر قادر هستند و اکنون برای پیروزی‌های دیگر عجله دارند.»

شکست امریکا در ماجرای نزدیک شدن پنهانی به ایران که به «ماجرای مک فارلین» و«ایران گیت» مشهور شد. بیانگر آن بود که امریکا سال‌ها نوعی ارتباط با ایران را در سیاست‌هایش دنبال می‌کرد، این بار با ابتکار عمل برخی از عوامل سیاست خارجی، در مرحله اول اقدام خود رابطه‌ای مخفیانه را برگزید که با افشای آن، این اقدام عملاً متوقف شد. این مسأله علاوه بر شکست تلاش‌های پشت پرده امریکا وانعکاس گسترده آن، عوارض متعددی را متوجه هیأت حاکمه امریکا کرد که از جمله آن وارد شدن لطمه اساسی به سیاست خارجی این کشور در جوامع غربی بود؛ زیرا کشورهای غربی تصور نمی‌کردند که امریکا برای دستیابی به برخی منافع سیاسی دست به رابطه پنهانی با ایران بزند. در این میان نگرانی کشورهای عرب خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس که هر کدام با برخورداری از پشتیبانی سیاسی امریکا به نحوی در جریان جنگ، با عراق همکاری می‌کردند قابل درک بود.

در این اوضاع و با توجه به موقعیتی که ایران در صحنه‌های نظامی و سیاسی کسب کرده بود، تلاش برای مهار ایران تشدید شد تا از دستیابی ایران به پیروزی قطعی در جنگ جلوگیری شود. از این رو در وهله اول دو ابرقدرت توافق کردند که از اهرم شورای امنیت استفاده کنند.

■ تنظیم قطعنامه در شرایط کاهش تشنجات میان دو ابرقدرت

از جمله عواملی که به توافق ضمنی دو ابرقدرت برای تصویب قطعنامه‌ای به منظور توقف جنگ انجامید، در موارد زیر قابل اشاره است:

- روی کار آمدن دولت گورباچف در شوروی و تمایل این دولت برای نزدیکی به غرب و کاهش تشنجات بین این دو ابرقدرت و در گام اول حل مشکل جنگ ایران و عراق.

- تلاش امریکا برای جبران شکست در ماجرای مک فارلین و جلوگیری از تبعات منفی آن در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس.

- توانایی ایران برای مقابله به مثل در مقابل حملات هوایی عراق در خلیج فارس واحتمال گسترش جنگ در خلیج فارس.

- ناتوانی عراق در کسب برتری مطلق هوایی در خلیج فارس و ناتوانی در قطع کامل صدور نفت ایران.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

> شکست امریکا در ماجرای نزدیک شدن پنهانی به ایران که به «ماجرای مک فارلین» و«ایران گیت» مشهور شد، بیانگر آن بود که امریکا سال‌ها نوعی ارتباط با ایران را در سیاست‌هایش دنبال می کرد، این بار با ابتکار عمل برخی از عوامل سیاست خارجی، در مرحله اول اقدام خود رابطه‌ای مخفیانه را برگزید که با افشای آن، این اقدام عملاً متوقف شد. این مسأله علاوه بر شکست تلاش‌های پشت پرده امریکا و انعکاس گسترده آن، عوارض متعددی را متوجه هیأت حاکمه امریکا کرد که از جمله آن وارد شدن لطمه اساسی به سیاست خارجی این کشور در جوامع غربی بود

علاوه بر عوامل فوق تجربه مشترک امریکا و شوروی در ضربات نظامی که در خلیج فارس متحمل شدند، موجب فهم مشترک این دو کشور از دیگر ابعاد گسترده جنگ شد که در هماهنگی و سرعت بخشیدن به ایجاد معادلاتی که به تصویب قطعنامه۵۹۸ در شورای امنیت انجامید، مؤثر واقع شد.

حمله قایق‌های تندرو به کشتی روسی «ایوان کارسیف» وهمچنین اصابت مین به نفتکش روسی «مارشال چخوف» از یک طرف و از طرف دیگر حمله هواپیمای عراقی به ناو امریکایی استارک که ۲۷ تن از ملوانان آن کشته شدند، نشاندهنده بخشی از آثار تشنج در خلیج فارس بر دو ابرقدرت بود، البته حمله به ناو استارک نشانه بارزی از تمایل عراق به گسترش جنگ و درگیر ساختن قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس نیز بود. هر چند کشوری که مین را بر سر راه نفتکش روسی کار گذاشته بود به روشنی مشخص نشد، ولی اگر طبق گزارش‌های رسانه‌های غربی، ایران راعامل حمله به این نفتکش روس بدانیم، نشانه‌های بارزی از عزم ایران در اجرای سیاست مقابله به مثل و شعار «خلیج فارس یا برای همه یا برای هیچ کس» می‌بود.

گفتنی است که کشورهای عضو دائمی شورای امنیت ازقبل برای تصویب قطعنامه به تصمیم جدی رسیده بودند، ولی اختلافاتی در نحوه تنظیم قطعنامه، تلاش هر یک از اعضای دائمی خصوصاً امریکا و شوروی در به دست گرفتن ابتکار عمل در ایجاد یا هدایت وقایع منطقه تا سطح بین‌الملل، که گاه به‌صورت رقابت‌های دو جانبه در منطقه خودنمایی می‌کرد، تصویب قطعنامه را به تعویق انداخت.

■ بیخبری اعضای غیردائم شورای امنیت ازمفاد قطعنامه

براساس اسناد کتاب روز شمار که پیاپی آمده‌اند، خواننده به این تحلیل وجمع بندی رهنمون می‌شود که در پی رایزنی‌ها و توافق‌های قبلی اعضای شورای امنیت سازمان ملل، اولین نشست رسمی این شورا برای بررسی طرح قطعنامه که قرار بود پایان جنگ ایران و عراق را رقم بزند، در هشتم خرداد ۱۳۶۶ برگزار شد. هر چند درباره موضوع اصلی این طرح توافق جمعی حاصل شده بود، ولی درباره برخی مفاد آن اختلاف نظرهایی وجود داشت. در آخرین روز خرداد ۱۳۶۶ «مایکل آرما کاست» معاون وزیرخارجه امریکا ضمن اعلام توافق پنج عضو دائم شورای امنیت با مفاد طرح قطعنامه، از موافقت نکردن برخی از اعضای این شورا با تصویب طرح قطعنامه تنبیهی مبنی بر تحریم فروش تسلیحات به طرفی که از قبول قطعنامه سر باز بزند، خبر داد. البته وی بر این نکته تأکید کرد که امریکا و شوروی در جلوگیری از پیروزی ایران دارای منافع مشترکی هستند.

امریکا همزمان با بحث درباره طرح قطعنامه در شورای امنیت، موضوع اسکورت نفتکش‌ها را نیز دنبال می‌کرد. امریکا همچنین به منظور متقاعد کردن شوروی و چین برای همراهی بیشتر و موافقت با بند تحریم تسلیحاتی، نماینده ویژه خود در سازمان ملل را به آن کشورها فرستاد ولی توفیق چندانی نیافت. کشورهای عضو اتحادیه عرب نیز برای تسریع در تصویب قطعنامه هیأتی سیاسی را به چند کشور از جمله آلمان، ایتالیا، انگلستان و... فرستادند که با توجه به توافق‌های قبلی بیشتر جنبه تبلیغاتی و روانی داشت.

از سوی دیگر، نمایندگان برخی کشورهای عضو غیردائم شورای امنیت از جمله آرژانتین، کنگو، غنا، امارات متحده عربی و زامبیا که قبلاً از روند مذاکرات اعضای دائم شورای امنیت و بی‌خبر نگه داشتن آنها از مفاد مذاکرات اظهار نارضایتی کرده بودند، در ملاقاتی با رئیس شورای امنیت خواستار گنجاندن موادی از جمله محکوم شدن حملات شیمیایی در متن قطعنامه شدند که این درخواست با حداکثر ملاحظه کاری در قطعنامه گنجانده شد. براساس اسناد منتشره در چهل ونهمین جلد از مجموعه روزشمار جنگ اغلب گزارش‌های موجود از روند پیشرفت کار و نحوه تنظیم طرح قطعنامه به وسیله امریکا، عموماً حاکی از نارضایتی اعضای غیردائم شورای امنیت و تلاش آنها برای تعدیل مفاد قطعنامه بود. در سندی در این کتاب آمده است گزارش خبرگزاری رویترز در این باره حاکی از آن است که: برخی کشورهای عضو غیردائم شورای امنیت شامل آلمان غربی، غنا و ژاپن درباره لحن طرح پیشنهادی شک و شبهه دارند و پیشنهاد دیگری مطرح کرده‌اند. در سند دیگری آمده است که منابع آلمانی گفته اند؛ متن کنونی با لحنی تند تهیه شده و عمده آن توسط امریکا تدارک دیده شده است و تدارک قطعنامه‌هایی که بر سر یکی از طرفین بکوبد بیهوده است؛ مایل هستیم عناصر دیگری را نیز در قطعنامه در نظر بگیریم که ایران بتواند بگوید مواضع ما نیز مورد توجه قرار گرفته است.

نگاهی به کتاب «بوی تند خردل»، خاطرات سید محمد نبی ملک حسینی

بازگشت به میهن با زخم خردل

طاهره راهی
خبرنگار

جلد کتاب را که دیدم، نظرم جلب شد. اول عنوان «بوی تند خردل» که قاعدتاً برای هر مخاطبی که آن را می‌بیند، گازهای شیمیایی و حملات عراق به ایران را به ذهن می‌آورد و دوم نام فامیل راوی کتاب؛ «ملک حسینی» که نامی آشنا برای بسیاری است، نه تنها در علم پزشکی ایران و با نام دکتر ملک حسینی، پدر پیوند کبد ایران که بیشتر و پیش تر با نام آیت الله ملک حسینی؛ مجتهدی در جنوب کشور که چه به لحاظ سیاسی و چه فرهنگی تأثیرگذار بوده است. به این دو علت، کتاب برایم جالب بود، برای منی که خودم یاسوجی‌ام و با گوینده خاطرات هم استانی بودم جذابیت اش را دوچندان کرد.

بسیاری از ما بمباران‌های شیمیایی عراق در حلبچه را یا در کتاب‌ها خوانده و یا در فیلم‌ها دیده‌ایم، اولین مواجهه من هم با بمب‌های شیمیایی، در فیلم «از کرخه تا راین» بود، فیلمی که به زندگی چند جانباز شیمیایی می‌پرداخت. در کتاب «بوی تند خردل» هم راوی نه تنها از خاطرات جبهه و اسارت که از خاطرات بمباران‌های شیمیایی می‌گوید:«طولی نکشید که بویی شبیه به بوی سیر همه جا پیچید. از حرف‌هایی که قبلاً شنیده بودم حدس زدم که هواپیماها بمب شیمیایی زده‌اند؛ بوی تند خردل بود که تا ریه‌ام رسید.»

«بوی تند خردل» روایت‌کننده ۵ سال اسارت سید محمدنبی ملک‌حسینی در چنگال نیروهای بعثی است. این کتاب خاطرات راوی را از بهار ۱۳۶۴ تا اواسط سال ۱۳۶۹ زمانی که آتش‌بس می‌شود و نام راوی در لیست آزاده‌ها اعلام می‌شود و به وطن باز می‌گردد، شامل می‌شود.

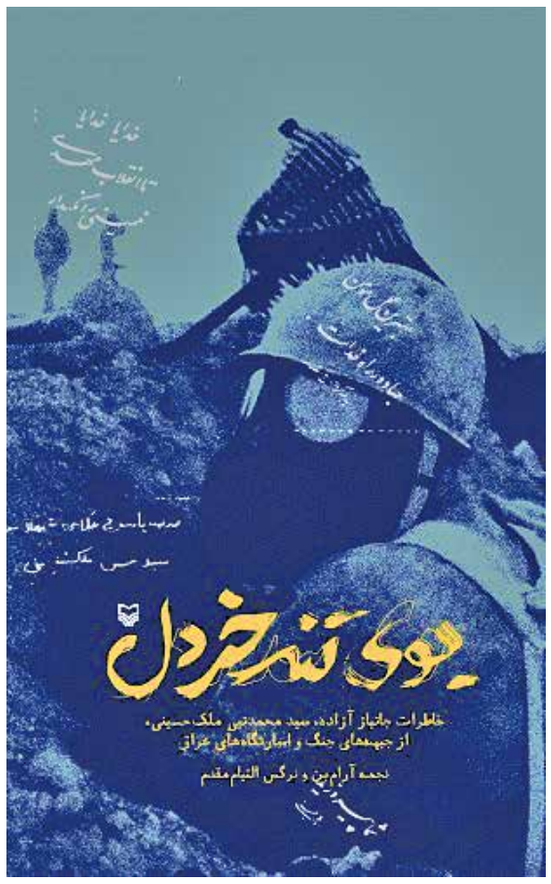

ملک حسینی در کتاب «بوی تند خردل» در فصل‌های اول و دوم به سال‌های حضورش در جبهه‌های جنگ و در فصل سوم و چهارم به توضیح سال‌های اسارتش در اردوگاه رمادیه پرداخته است: «باورم نمی‌شد! پنج شش سرباز عراقی بی‌سروصدا محاصره‌مان کرده بودند و در چشم برهم‌زدنی احساس پیروزی کوچکم با حس شکستی بزرگ عوض شد. انگار دنیا روی سرم خراب شده بود. دیگر مطمئن شدم به آخر خط رسیده‌ام. وقت آن بود اسارت را بپذیرم.»

راوی در این کتاب کم‌حجم، از خاطرات دوران اسارتش می‌گوید و از سفری می‌گوید که در ابتدای اسارت و در مسیر رفتن به اردوگاه قسمتشان شده بود، سفر به نجف: «از بغداد گذشتیم و به نجف رسیدیم. این را با دیدن تابلوها و حرف‌هایی که بین نگهبانان عراقی رد و بدل می‌شد متوجه شدیم. همین که حس کردم در شهر نجف هستم به یاد حضرت علی (ع) افتادم و کمی دلم آرام گرفت... ناگهان از بالای ساختمان دوطبقه‌ای که در چندمتری ما بود، جعبه بزرگی داخل ماشین افتاد؛ یک جعبه پر از بیسکوئیت.»

ملک‌حسینی لابه‌لای خاطراتش از آقای ابوترابی، سید آزادگان نیز نام می‌برد: «صبح روز بعد، عراقی‌ها اسیر میانسالی را به آسایشگاه آوردند. قدی متوسط و اندامی لاغر و چهره‌ای مهربان داشت. خودش را حاج آقا ابوترابی، نماینده امام خمینی (ره) معرفی کرد. پیش از آن، وصف صبوری و مهربانی‌های او را زیاد شنیده بودیم.»

این کتاب خاطرات جانباز آزاده، سید محمدنبی ملک حسینی از جبهه‌های جنگ و اسارتگاه‌های عراق در بازه زمانی بهار ۱۳۶۴ تا اواسط سال ۱۳۶۹ است. بعد از آتش‌بس نام راوی در لیست آزاده‌ها اعلام می‌شود و به وطن بازمی‌گردد. این اثر توسط دو نویسنده جوان نجمه آرام بن و نرگس التیام مقدم تنظیم و تدوین شده و توسط انتشارات سوره مهر، در سال ۱۴۰۰ و در ۱۸۳ صفحه چاپ و منتشر شده است.

در پشت جلد کتاب می‌خوانیم:

«در نزدیکی سنگر ظرف و لباس هایم را با آب تانکر می‌شستم که هواپیماها آمدند. بمب‌هایشان را بسرعت رها کردند و رفتند. طولی نکشید که بویی شبیه بوی سیر همه جا پیچید. از حرف‌هایی که قبلاً شنیده بودم حدس زدم که هواپیماها بمب شیمیایی زدند، بوی تند خردل بود که تا ریه‌ام می‌رسید. فرمانده بارها گفته بود در هر شرایطی بیرون از سنگر ماسک به‌صورت بزنید، هوا خیلی گرم بود با ماسک نمی‌توانستم خوب نفس بکشم، ماسکم را نزده بودم اما یک آمپول آتروپین در جیب پیراهن خاکی‌ام داشتم آمپول را از روی لباس به ران پایم تزریق کردم و با کف دست هایم دهان و بینی‌ام را پوشاندم و به تانکر تکیه زدم. نمی‌توانستم نفس بکشم. پشت سر هم سرفه می‌کردم. چشمانم سوزش زیادی داشت و بعد از چند دقیقه دیگر نتوانستم باز نگه‌شان دارم. سرگیجه گرفتم و با حالت تهوع شدیدی که داشتم به گلویم چنگ زدم و از پهلو به زمین افتادم و از حال رفتم.»

یادی از فوتبالیست‌های شهید تیم فجر ورامین در سال‌های دفاع مقدس

مردانی که مدال قهرمانی آنها پلاک شان شد

یادبود | معرفی کتاب

تسنیم

مرجان قندی
خبرنگار

دهه ۶۰دهه دلدادگی و حرمان بود، دهه حسرت‌های سیاه و سفید، جنگ، آژیر قرمز، آرمان، فوتبال زیر نور چراغ زنبوری و پیراهن تیم که برایت مثل قسم مادر بود. جنگ که شروع شد همه آنهایی که عشق‌شان فوتبال بود پیشانی‌بندهای قرمز و سبز را بر پیشانی بستند و راه افتادند. این بار دروازه وطن در خطر بود. مهاجمان حریف نفس به نفس دروازه‌بان‌های ما بدون داور و خط نگهدار تا روی خط دروازه ما، تا روی خط کرنر و پنالتی با عقده‌های تاریخی آمده بودند. فورواردهای فرصت‌طلب زهرآگین توپ را از توپخانه‌ها شلیک می‌کردند و حتی مهلت ندادند که ما خودمان را گرم کنیم.

در دوران جنگ هشت ساله ما با دشمن بعثی اتفاق‌های بسیاری رخ داد که امروز فقط باید قلاب انداخت و از قلب تاریخ ۲۹۲۰ روز دفاع بیرون کشیدشان. مثل قصه رقص توپ دولایه و فوتبال پشت خاکریزها توی ساعت‌هایی که خمپاره کمتر می‌آمد و عملیات نبود، ادعایی نبود، قرارداد چند میلیاردی هم نبود. ترکش و گلوله اما بود. رزمنده‌ها کمی این طرف و آن طرف‌تر خاکریزها توپ دولایه خسته خودشان را می‌انداختند وسط و با هیجانی وصف‌نشدنی مسابقات فوتبال راه می‌انداختند و اجازه نمی‌دادند خط و نشان کشیدن دشمن، روحیه‌شان را ضعیف کند. دنبال توپ می‌دویدند و برای زدن گل تلاش می‌کردند و لحظه‌ای به این فکر نمی‌کردند که شاید فردا یک ترکش دشمن پای دویدن را از آنها می‌گیرد.

میان تمام سختی‌های جنگ، خاطرات برگزاری مسابقات فوتبال یکی از ماندگارترین خاطرات رزمندگان است. در آن سال‌ها شهرستان ورامین از بازیکنان بنامی در رشته فوتبال برخوردار بود و تیم‌هایی از این شهرستان در استان تهران افتخار کسب کرده بودند که یکی از آنها تیم فجر بود. البته بازیکنان این تیم فوتبال نه تنها در عرصه ورزش که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هم خوش درخشیدند.

این تیم در هشت سال دفاع مقدس، ۱۸ شهید و ۲۲جانباز را تقدیم وطن کرد و برای همین هم اغلب در میان تیم‌های ورزشی شهرستان ورامین تیم فوتبال فجر را به بازیکنان شهیدش می‌شناسند.

بازیکنان اصلی تیم فوتبال فجر ورامین را محسن ابراهیمی، محمدرضا فرزانگان، محمد جعفری‌منش، علی جعفری‌منش، رحیم کدخدایی، کریم کدخدایی، مصطفی کاشانی، حمید اصفهانی، محسن هرندی، محسن شیرکوند و موسی طباطبایی تشکیل می‌دادند. محسن قاجاریه هم سرمربی تیم بود، به گفته اهالی فوتبال یک مربی دلسوز کاربلد و اخلاق‌گرا.

آن نسل، نسل عجیبی بود. خیلی‌ها بر این باورند که یکی از علت‌هایی که آدم‌های خوب در این تیم جمع می‌شدند رفتار خوب شهید قاجاریه بود. شهید قاجاریه همه وقتش را برای بچه‌های تیم می‌گذاشت. مثل یک پدر یا مثل یک برادر بزرگ‌تر بالای سر همه بچه‌ها بود و همان‌طور که اعضای تیم را برای بازی در مسابقات فوتبال آماده می‌کرد توانسته بود آنها را در جبهه هم هدایت کند تا مؤثرترین نقش خودشان را در مقابل دشمن نشان دهند.

بعد از هشت سال که جنگ تمام شد و آژیر سفید به صدا درآمد رزمنده‌هایی که شهادت قسمت‌شان نبود خسته و خاک‌آلود به خانه برگشتند؛ بی‌دست، بی‌پا و بی‌چشم و... اما باقلب‌هایی مالامال از عشق.

محمدرضا فرزانگان، محسن قاجاریه، حمید اصفهانی، محسن هرندی، سید موسی طباطبایی، علی جعفری‌منش، محمد جعفری‌منش، محسن شیرکوند، ناصر نوع‌پرور، کریم کدخدایی، رحیم کدخدایی، مصطفی کاشانی، سیدعلی حسینی‌امامی، سیدمحسن ابراهیمی از جمله شهدای تیم فوتبال فجر ورامین هستند.

تیم فجر به معنای واقعی کلمه یکی از تیم‌های فرهنگی، ورزشی و جهادی بود و این از عنایت خداوند و خلوص افراد حاضر در این باشگاه در دهه ۶۰ بود. چه خوب می‌شود اگر احیای این فرهنگ با همان مبانی و اعتقادات دهه ۶۰ و با نیازهای حال حاضر جوانان جزو اولویت دستگاه‌ها و پیشکسوتان این عرصه قرار گیرد.